

امکان‌سنجی توانایی فضای مجازی در شکل‌گیری و بهره‌وری از تربیت دینی

نویسنده: مهدی سعیدی^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸

چکیده

با ظهور و گسترش صنعت ارتباطات و در راستای آن اینترنت به عنوان شبکه ارتباطاتی و اطلاعاتی جهانی، فضای جدیدی در عرصه زندگی به وجود آمد که می‌توان با عناوینی هم‌چون فضای دوم یا فضای مجازی از آن یاد کرد؛ فضایی که استفاده از آن دارای ابعاد مثبت و منفی است. مبانی نظری این پژوهش که با هدف امکان‌سنجی توانایی فضای مجازی در ایجاد و بهره‌وری از تربیت دینی انجام شده است، بهره‌گیری از پارادایم دوفضایی شدن و مفهوم‌سازی تفاوت خصایص فضای مجازی و مؤلفه‌های تربیت دینی است. روش پژوهش نیز در سنت پژوهش‌های کیفی، از نوع توصیفی-تحلیلی و با نگاه نقادانه است که به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است؛ ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری از مجموعه آثار مرتبط است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جمله «خودت را بشناس»، مصداقی برای این است که انسان برای ورود به تربیت-به‌ویژه تربیت دینی- لازم است ابتدا معنای صحیحی از خود و سپس از دیگران داشته باشد؛ بر این اساس سریع شدن فضا، فراگیری، قابلیت دسترسی دائم، فرامکانی، فرازمانی، جهانی بودن، سیال بودن، تشدید شدن واقعیت و چندرسانه‌ای بودن از جمله فرامتغیرهای این فضا هستند که زندگی در جهان دوم، زندگی دوفضایی معاصر و نیز منابع هویتی افراد را تحت تأثیر قرار داده است.

نتیجه آن که مشکل عدم وجود هویت اصیل و عامل با سرازیر شدن آموزش‌های دینی در دنیای مجازی نتیجه‌بخش نبوده و نتیجه‌ای غیر از دستیابی به قشری‌گرایی و صورت‌گرایی نداشته است؛ لذا دستیابی به هسته تربیت دینی با مؤلفه‌های دنیای مجازی سازگاری چندانی ندارد و هم‌نشینی از نوع التقاطی است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، دنیای دوفضایی، فضای مجازی

۱. کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه شیراز، saeedimahdi55@gmail.com

مقدمه

روزگاری انسان‌ها در دنیایی واقعی زندگی می‌کردند و ارتباطات بین آن‌ها ملموس بود و با کسانی ارتباط داشتند که در یک مکان زندگی می‌کردند؛ اما اکنون مهم‌ترین تغییر دنیای معاصر که شالوده تغییرات آینده جهان را می‌سازد، رقابتی شدن دنیای واقعی و مجازی است.

دنیای واقعی با ویژگی‌هایی مانند مکان داشتن، زمان واقعی داشتن، محبوس بودن و طبیعی بودن از دنیای مجازی متمایز می‌شود. دنیای مجازی با بی‌مکانی، زمان مجازی، دستیابی سریع به آخرین اطلاعات، تکرار داشتن و همزمانی از دنیای واقعی جدا می‌شود. مهم‌ترین تغییر دنیای مجازی این است که روابط انسانی با واسطه و از راه دور جایگزین روابط انسانی چهره به چهره شده است.

فناوری‌های قدرتمند، پیامدهای اجتماعی عمیقی دارند؛ برای نمونه می‌توان به تأثیرات کشاورزی، صنعت چاپ و عصر صنعتی بر تاریخ تحولات جهان اشاره نمود، فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز از این امر مستثنی نیست؛ آن‌چنان که راجرسون و باینوم^۱ (۱۹۹۵) اشاره می‌کنند:

فناوری رایانه‌ای، تاکنون قدرتمندترین و انعطاف‌پذیرترین فناوری عرضه شده است؛ به این دلیل که رایانه هر چیزی را تغییر می‌دهد، هم‌چون مکان و کیفیت کار و آموزش، خرید تغذیه، رأی‌گیری، مراقبت‌های بهداشتی، اوقات فراغت، رزم‌آوری، دوستیابی و حتی عشق‌ورزی را. (به نقل از: رادفر و نوری، ۱۳۹۶: ۳۳۸)

از این رو گسترش انقلاب اطلاعات، انقلابی - صرفاً - فناورانه نیست؛ بلکه این تحول، سایه‌های بی‌نقاب و نقاب‌دار خود را به تمام جنبه‌های زندگی کشانده است. فضای مجازی یکی از موضوعات راهبردی و استراتژیک جهان امروز است که به عنوان پرچالش‌ترین و به‌روزترین مسائل جهان امروز مطرح است.

1. Rogerson and Bynum

اینترنت- امروزه- برای متخصصان و دانشمندان و پژوهشگران بستری مناسب فراهم کرده است تا اطلاعات علمی در سطح جهان را به اشتراک گذاشته و از دستاورد و نتایج تحقیقات یکدیگر بهره‌برداری نمایند؛ اما اکثریت افراد جامعه بشری بیشترین استفاده‌ای که از اینترنت می‌کنند، استفاده فراغتی و سرگرمی است؛ لذا سرگرمی در شبکه‌های اجتماعی نوظهور امکانی است که کاربران اینترنت را به خود مشغول می‌کند.

در این میان، فضای سایبر مرز جدیدی در ارتباطات ایجاد کرده است تا جایی که مردم در آن دوستی و دشمنی‌هایی ایجاد نموده، کارهایی انجام می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که در دنیای واقعی و رودررو- هرگز- طرح نمی‌کنند. (Stefanescu and Others, 2007)

امروزه کمتر انسانی را می‌توان یافت که ساعتی از زمان شبانه‌روز را درگیر این دنیای شگفت‌آور نباشد و رفتار و افکارش تحت تأثیر آن قرار نگیرد. در هر حال، فضای مجازی- سایبری- قلمروی وسیع، بدیع و بکر است که فرصت‌ها، آسیب‌ها و محدودیت‌هایی دارد.

اهمیت مسئله

با رشد روزافزون اینترنت و افزایش شمار کاربرانی که به اینترنت متصل می‌شوند، لزوم بررسی تأثیر اینترنت بر زندگی اجتماعی کاربران اجتناب‌ناپذیر است. اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباطی چندرسانه‌ای که در درون خود دنیایی از اطلاعات را جای داده و چندین رسانه مانند تلویزیون، وسایل چاپی، تلفن و... را در درون خود ادغام کرده، خصوصیات و شرایط پیچیده‌ای برای کاربران فراهم کرده است؛ به نحوی که با هر میزانی از مصرف می‌تواند بر کاربران خود تأثیر بگذارد.

از طرف دیگر، نگرانی درباره جوانان و تغییرات فرهنگی، عمری به درازای تاریخ بشری دارد و هنجارگریزی جوانان، همیشه مسئله‌ای مهم در سطح جوامع بوده است. (ریبعی و شاه‌قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۱)

علی‌رغم جنبه‌های مثبت- آموزشی و خدمات ارتباطی- اینترنت با توجه به نوع استفاده آن دارای جنبه‌های منفی نیز هست؛ لذا استفاده کنترل نشده از رایانه، تکامل فیزیکی و رشد روانی و اجتماعی نوجوان و جوان را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر این اساس، اینترنت جایگاه ویژه‌ای در ساختار زندگی پیدا کرده است تا جایی که استفاده از آن به علت این‌که فعالیتی زمان‌بر است، می‌تواند بر روابط اجتماعی و خانوادگی و مدت تعامل فرد با خانواده تأثیر بگذارد و حتی آن را کاهش دهد. (جوادی، ۱۳۸۳)

استون^۱ معتقد است:

فضای مجازی به عنوان رسانه‌ای با پهنای باند پایین در مقایسه با تعامل چهره به چهره، فرصت بیشتری برای دخیل کردن فرایندهای تفسیر، تخیل و آرزوهای طرفین تعامل در گفتگو، فراهم می‌آورد.

میلر^۲ نیز معتقد است:

ارتباطات الکترونیکی دامنه جدیدی از چارچوب‌های تعامل را با آداب و رسوم مخصوص وضع می‌کند که هر چند- آشکارا- از تعاملات دنیای واقعی و یا حضور فیزیکی فقیرند؛ اما فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی در راه ارائه و نمایاندن خود در دنیای کنونی فراهم می‌کنند. (ر. ک: دکایی و خطیبی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

با توجه به سرعت روزافزون پیشرفت در عرصه فناوری‌های حوزه مجازی، می‌توان پیش‌بینی کرد- به تدریج- اینترنت جایگزین روابط واقعی انسان‌ها گردد؛ لذا شناخت آسیب‌ها در این زمینه می‌تواند حائز اهمیت باشد.

1. Stone

2. Miller

بر این اساس، تبارشناسی فضای مجازی از الزام‌های مهم در مسیر موفقیت تحقیق در این فضا است که به واسطه ایجاد این درک، امکان مدیریت ادراک و ترسیم راهبرد امکان‌پذیر خواهد بود؛ هم‌چنان که پیشرفت سریع، لحظه‌ای و حیرت‌آور تکنولوژی و دنیای ارتباطات بر لزوم مطالعات گسترده و پژوهش‌های آینده‌نگر در این زمینه افزوده است.

سؤال پژوهش

اینترنت و فضای مجازی، دنیای جدیدی است که از رهاوردهای عصر پست‌مدرن^۱ است که الزاماتی بر زندگی بشر قرن بیست و یکم تحمیل می‌نماید. شاید بشر امروزی، بیش از هر زمان دیگری باید منتظر پیشرفت‌های چشمگیر علم و تکنولوژی باشد و خود را با پیامدهای حاصل از آن‌ها، همگونی و مطابقت بدهد؛ چرا که تحولاتی را در زندگی دنیای واقعی ایجاد می‌کند، اما نکته قابل توجه این‌که: آیا می‌توان از تمام مؤلفه‌ها و مفروضه‌های این فناوری‌های جدید در تمام جنبه‌های زندگی بهره برد؟

به نظر می‌رسد در دنیای امروز، کسی توانایی گریز از فناوری مجازی و متعلقات آن را ندارد؛ چرا که ساقه‌های تنومند این فناوری، درون و برون دنیای انسان را محاصره کرده است؛ اما:

- آیا می‌توان با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی به آن اعتماد کرد و به عنوان ابزاری برای برخورداری افراد جامعه از تربیت دینی استفاده کرد؟
- اگر فضای مجازی مبنایی برای آموزش‌های سودمند است، تا چه اندازه در پیشبرد اهداف تربیت دینی اصیل، می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود؟

فضای مجازی

اینترنت رسانه‌ای منحصر به فرد است؛ زیرا انواع شیوه‌های ارتباطی و انواع محتواها در یک رسانه واحد فراهم شده است. در این میان فضای مجازی به عنوان یک پدیده جهانشمول، امکان و فرصتی برای کاربران فراهم می‌کند که بتوانند اطلاعات و خدمات مورد نیاز خود را هر کجا و در هر زمان و به میزانی که می‌خواهند، به دست آورند. دنیای مجازی شامل اینترنت و شبکه وسیع جهانی است و با اصطلاحاتی مثل جامعه مجازی و فضای مجازی مترادف است.

به طور کلی، می‌توان دو وضعیت را برای این پدیده در نظر گرفت: اول آن‌که دنیای مجازی در کنار دنیای واقعی موجودیت پیدا کرده و دوم این‌که دنیای مجازی با سرعتی باورنکردنی به دنیای واقعی نفوذ کرده و در حال گسست و تغییر تمام جنبه‌های آن است؛ به گونه‌ای که لذت این دنیا سبب از خودبیگانگی افراد شده است. اسلاوی ژیزک (۱۹۹۶) - فیلسوف و منتقد اسلوانیایی - در این ارتباط می‌گوید:

تکنولوژی مجازی ساده‌ترین ساختار ظرفیت ما را برای آرزو کردن و خواستن از هم‌پاشیده و متحول خواهد کرد. (Zizek, 1996: 195)

ورود افراد به دنیای مجازی با یک ترس، شیدایی و علاقه وافر همراه است که این شیدایی ناشی از بیکران بودن منابع اطلاعاتی و تفریحی سودآور دنیای مجازی، دسترسی مجازی به این منابع و احساس کنترل و قدرت تعاملی است.

دنیای مجازی به عنوان یک پدیده تکنولوژی دیجیتال قادر است تقدیس دنیای واقعی را از آن جدا ساخته و خود به عنوان یک واقعیت مقدس جانشین آن شود؛ (Elull, 1990) چرا که چنین تقدیسی به نظر الول مفید بودن تکنولوژی در زمینه فعالیت انسان‌هاست، اما برای بیشتر مصرف‌کنندگان دنیای مجازی این شیدایی، بُعد وحشت آن را مستور کرده و زبان‌های آن را ناچیز جلوه داده با از دید افراد پنهان می‌کند.

فضای مجازی - عمدتاً- پارادایمی را ایجاد کرده که مخاطبان با دو جهان واقعی و مجازی رو به رو شده‌اند. در این پارادایم تأکید بر وجود يك جریان جهانی شدن مجازی در کنار جریان جهانی شدن در جهان واقعی است. (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۴۷-۱۴۲)

محتوای باز و آزاد فضای مجازی، هراس‌های اخلاقی پیرامون آن و فضای ارتباط بدون محدودیت آن سبب شده نگرانی‌هایی بسیاری در خصوص این رسانه در محافل حکومتی، مذهبی و سنتی جامعه ایران مطرح شود، بدون این‌که مستندات پژوهش مکفی در این زمینه وجود داشته باشد.

فضای مجازی و تربیت دینی خصائصی دارند که انسان را به درک آگاهانه‌تر هدایت می‌نماید. با بررسی این ویژگی‌ها می‌توان دریافت که:

آیا فضای مجازی می‌تواند محیطی برای شناخت، ایجاد احساس و الزام به عمل در تربیت دینی باشد؟

ویژگی‌های روانشناختی فضای مجازی

۱. کاهش احساسات

به دلیل این‌که اغلب ارتباطات در این فضا به صورت نوشتاری است، فاقد احساسی است که در فضای واقعی از طریق مشاهده الگو و رفتار وی، درک و تفهم دوجانبه، شناخت حالات چهره و... به دست می‌آید.

آن‌چه در این ارتباطات از دست می‌رود، کیفیت و اهمیت آن است؛ لذا نبود احساسات، مشکلات فراوانی می‌تواند برای انسانی که سراسر عشق محبت است، می‌تواند به همراه داشته باشد؛ به ویژه انسانی که خداوند از روح ملکوتی و عاشقانه خود در آن دمیده است.

به گفته پستالوتسی^۱، دانشمند سوئیسی:

بدون عشق، انسان بی‌خداست و اگر عشق و خدا نباشد، انسان چیست؟

بر این اساس، این پرسش طرح می‌شود که:

در فضایی که انسان‌ها در آن با هویت‌های فریبنده و حتی گاهی چندگانه پا گذاشته و کلماتی را تایپ می‌کنند که گاهی به منظور زیبا و بهتر جلوه دادن خودشان است، آیا می‌توان جایی برای شناخت از روی بصیرت باز کرد؟

۲. متن‌گرایی

فضای مجازی علی‌رغم عمر اندک - به سرعت - در ابعاد گوناگون زندگی مردم نفوذ کرده است؛ به نحوی که مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی گرد هم آمده و از فاصله‌های دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است؛ رایانامه^۱، پیام‌های کوتاه^۲، چت‌روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها، بازی‌ها و... روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند.

روزانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می‌کنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. شاید عیب اصلی ارتباط‌های اینترنتی آن است که ارتباط در فضای مجازی بر متن استوار است و از نشانه‌های بصری و شنیداری در تعامل‌های رو در رو بی‌بهره است.

۳. انعطاف‌پذیری هویتی

افراد در فضای مجازی به دلیل نبود راهنماهای چهره‌ای می‌توانند بازنمایی‌های متفاوتی از خود ارائه دهند.

1. E-Mail

2. SMS

۴. اساسی حریم‌ها

در دنیای مجازی ساخت‌های دنیای واقعی شکسته می‌شوند و این امکان داده می‌شود تا به حوزه خصوصی دیگران راه یافت و گفتارها و نقل‌هایی را که همه‌جا شنیده نمی‌شوند، آن‌جا شنید و یا حتی بیان نمود.

۵. اختلاط اجتماعی

در فضای مجازی این امکان وجود دارد که با افراد کره زمین در هر مکانی و با هر زبانی ارتباط برقرار نمود؛ این ارتباط می‌تواند- الزاماً- از نوع دیالوگی نباشد، بلکه عضو یک گروه- کمپین^۱- خاص بودن و یا رأی دادن به یک نوشته، تصویر و یا یک فیلم باشد، در قالب کلمات «پسندیدم».

آن‌گونه که از مؤلفه‌ها بر می‌آید، دنیای مجازی، دنیای احساس و عاطفه، شخصیت‌ها و هویت‌های متمایز و مشخص، زمان و مکان معین نیست؛ مشخصه‌هایی که برای تربیت- به ویژه تربیت دینی عامل، مشخص و هدفمند- لازم هستند.

زمان در دنیای واقعی و مجازی

یکی از جنبه‌هایی مشترک میان دنیای واقعی و جهان مجازی، مؤلفه زمان است. جهان دوم با خصوصیات ذاتی خود، جنبه ماندگاری و تقریباً ابدی را به آن عرضه داشته است. در ادامه به بحث بیشتر در این مورد و تأثیراتی که می‌تواند بر منابع هویتی افراد و در پی آن، پیامدهایی که بر عرصه گسترده تربیت دینی دارد، پرداخته می‌شود. به طور کلی، زمان مجازی از سه خصوصیت مهم برخوردار است:

۱. ابدیت نسبی زمان

زمان مجازی موضوع مرگ و حیات نیست؛ بلکه از خصیصه حیات دائمی برخوردار است و به نوعی تراکم و انباشت زمان مطرح است.

در فضای مجازی تمامی تولیدات انباشته و متراکم می‌شود؛ به همین دلیل - در این جهان - همه تجربه‌های بشری متراکم می‌شود و صفحات تولید و کار از يك ماندگاری به طور نسبی ابدی برخوردار است؛ این ماندگاری نسبی است، چون موجودیت آن به ماندگاری منابع اطلاعاتی و جهانی فیزیکی بستگی دارد که جهان مجازی به آن تعلق دارد؛ یعنی با فرض وجود جهان فیزیکی و منابع انباشت اطلاعات، زمان در این جهان ماندگار است و از قابلیت زندگی - زندگی در مقابل مرگ - زندگی برخوردار است.

به طور کلی، زمان در جهان فیزیکی از فرایند مرگ و حیات برخوردار است و با مرگ يك لحظه، حیات جدید خلق می‌شود؛ لذا گذشته، حال و آینده معنا می‌یابد؛ اما زمان مجازی منطبق این روند را دگرگون می‌کند و به نوعی روند جدیدی را به جای می‌گذارد که از آن تعبیر به «زمان همه جا حاضر» می‌شود.

۲. حضور عمودی و افقی زمان (تراکم هندسی)

زمان در این جهان به دلیل قابلیت انعطاف هندسی زمان مجازی و دیجیتال بودن زمان، از يك خصیصه غیر مرکزی و تولید متکثر زمان برخوردار است؛ بر اساس همین منطق، شهرهای متراکم مجازی که محصول يك هزاره تاریخ شهر است، شکل گرفته‌اند.

۳. غیر مرکزی شدن فضا و زمان

ظرفیت‌های زمان مجازی موجب شده است که خورشید کره مجازی به صورت فراگیر و در همه افق بر همه حاضران در کره مجازی به صورت دائمی بتابد و این فضا هرگز با شب مواجه نمی‌شود.

به عبارت دیگر، کره مجازی يك کره همیشه روز است. غیر مرکزی شدن فضا و زمان، امکان حضور موازی و مساوی همگان را در يك فضای مشترک و در يك زمان مشترک فراهم آورده است. که این حضور از مرکزیت فقط در يك مکان خاص و یا فقط در يك زمان خاص خارج شده است.

با این نگاه- کره مجازی- کره‌ای است که از پویایی و توانایی غیر قابل مقایسه با کره فیزیکی زمین برخوردار است. (عاملی، ۱۳۸۵)

پارادایم دوفضایی شدن و آسیب‌های مجازی

پارادایم دوفضایی شدن جهان (ر. ک: عاملی، ۱۳۸۸: ۷۰) بر این مبنا تأکید می‌کند که فهم واقعیت‌های فردی و اجتماعی با پارادایم تک‌جهانی امکان‌پذیر نیست؛ چه این‌که فهم جهان واقعی منهای درک جهان مجازی و برعکس مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی، مطالعه و نگاه را گرفتار یک نوع خطای فهم می‌کند. (عاملی، ۱۳۸۶: ۴۵)

این پارادایم با مقایسه ویژگی‌های متفاوت دوفضای حقیقی و مجازی به این مطلب اشاره می‌کند که زندگی امروز که با ظهور فناوری‌های ارتباطی دیجیتال دگرگون شده و در حال دگرگونی مداوم است، الزامات و ملاحظات خاص خود را دارد که یکی از این موارد، توجه به آسیب‌شناسی فضای جدید زندگی و دوفضایی است. ویژگی‌های این فضا هم‌چون دیجیتال بودن، مبتنی بر زمان مجازی بودن، جهانی بودن، سرعت، فراگیری، سیالیت، تشدید شدگی، متکثر بودن- شبکه‌ای بودن- و در نهایت همه‌جا حاضر بودن، فضایی را ایجاد می‌کند که اثرات اولیه و ثانویه آسیب در جهان دوفضایی را تشدید و تقویت نموده و آن را توسعه می‌دهد. در سوی دیگر، این پارادایم از عللی نام می‌برد، که به زیرساخت و مختصات فضای مجازی ارتباط ندارد و به تجربه زیستی افراد و کاربران فضای مجازی بازمی‌گردد. از این منظر عادت داشتن به معنی آن است که کاربران ممکن است در فضای واقعی به فعالیت‌های آسیب‌زا عادت داشته باشند و این آسیب با ورودشان به فضای مجازی تشدید شود.

از سوی دیگر، شرایط محیطی ممکن است باعث نوستالژی^۱ شده و این امکان را در اختیار کاربران قرار دهد که بدون توجه به محدودیت‌های فیزیکی، همان زمینه‌های آسیب‌زای درون خود که قبلاً امکان اجرای آن را در فضای واقعی نداشتند را در این فضا جستجو کنند.

بر این اساس، فرد در فضای مجازی در محیطی جهانی با قابلیت‌های بی‌شمار مواجه می‌شود و حس می‌کند به فعالیت‌هایی بپردازد که در فضای فیزیکی امکان‌پذیر نیست. در فضای مجازی فرد بدون آن‌که بداند آسیب در کجاست و چه محیط‌هایی آسیب‌زاست، در این فضا حرکت می‌کند که این حرکت ممکن است فرد را تنها با یک کلیک به حوزه آسیب‌زا و محیط‌ها و فعالیت‌های آسیبی فضای مجازی بکشاند؛ این ویژگی همان دسترس‌پذیری آسیب است. (Ameli, 2009)

از آن‌جا که محیط مجازی گرایش به سمت واقعیت دارد و در تلاش است که یک محیط - کاملاً - واقعی و یا مرتبط با واقعیت‌های روزمره زندگی ایجاد کند، دینداری نیز به عنوان یک واقعیت اجتماعی هم در محیط مجازی انعکاس می‌یابد و هم محیط مجازی را به منبع و مرجع جدید توسعه دینداری تبدیل می‌کند؛ لذا محیط مجازی مثل محیط فیزیکی تیغ دولبه است که هم برندگی شرگرایانه و هم تابندگی خیرگرایانه دارد.

دینداری سازوکار کنترل‌کننده و بازدارنده شر و پلیدی و در عین حال سازوکار تولیدکننده خیر و نیکی فراگیر و جهانی در محیط مجازی است که به عنوان یک عامل مهم به آن باید توجه شود. (عاملی و حاجی جعفری، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

از طرف دیگر، ظهور شبکه‌های اجتماعی سایبری در جوامع مذهبی چالش‌هایی را به همراه داشته است.

به نظر می‌رسد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن - جدای از فرصت‌هایی که به وجود آورده‌اند - تفاوت‌هایی از نظر ساختاری با فضای واقعی دارند که دینداری و

1. Nostalgia

تربیت دینی را با چالش‌های اساسی رو به رو کرده است که به دلیل همین تفاوت‌ها، فعالیت کردن در فضای مجازی و اخلاق‌مداری، دین‌محوری و انسانیت‌اراده‌ای دوچندان می‌طلبد. به واسطه عدم موفقیت در این بخش، بعضی کشورها به دنبال مسدودنمایی بیشتر در فضای اینترنت و دنیای مجازی هستند که به نظر می‌رسد راهی برای فرار از حوزه مسئولیت‌ها است؛ چرا که هر چه اعمال نظارت در فضای مجازی بدون دلیل و استنباط و زمینه‌فکری باشد، مقاومت مردم بیشتر می‌شود؛ لذا هر قانونی که وضع شود در صورتی مؤثر خواهد بود که در ذهن مردم مشروعیت داشته باشد و آن را بپذیرند، چون رفتار مردم در فضای مجازی تابعی از فضای حاکمیت سیاسی است. بر این اساس، دولت نیز اگر بخواهد نظارت داشته باشد تا محدودیت‌ها را برای سلامت فضای مجازی اعمال کند، مردم نمی‌پذیرند؛ چرا که بخشی از اعتماد مردم به حاکمیت، مشروعیت سیاسی است.

ضرورت ویژگی‌های دین‌مدارانه

هر تحولی در دنیا، مجموعه‌ای از پیامدهای جانبی برای انسان‌ها به دنبال خواهد داشت؛ البته این نتایج در پاره‌ای از کشورها- بنا بر دلایلی- نتایج مشخص‌تری به دنبال خواهد داشت که توجه به تمام جنبه‌های این دستاوردها، الزام‌آور است.

- آیا هر ابزار و دستاوردی که حاصل عصر پست مدرن و فضای لیبرال-دموکراسی^۱

غرب باشد، در تمام نیازها پاسخگو و رفع‌کننده نیازها خواهد بود؟

به نظر می‌رسد هر ابزار و برنامه‌ای از مبانی شکل‌دهنده خود بی‌ارتباط نیست؛ به طور مثال، هر برنامه آموزشی که در ایران تهیه، طراحی و تولید می‌شود، از منابع ارزشی جامعه مهدوی ایرانی- اسلامی تغذیه خواهد کرد؛ لذا نباید انتظار داشت فضای مجازی که از قلب آمریکا بیرون آمده، از مفروضه‌های بنیادین آن جامعه بی‌بهره باشد.

نتیجه آن که تربیت - به ویژه تربیت دینی - دارای مبانی محکمی است که در هر فضایی شاید نتوان به معنای واقعی و مغز آن دست یافت.

گاهی اوقات - پژوهشگر در صدد این است که میان نظرات مختلف، ترکیبی ایجاد کند؛ اما همواره مخاطره‌ای در کمین این فرایند وجود خواهد داشت و آن، برآمیختن پاره‌های ناهمگن و حتی مخالف نظریه‌هاست که ناشی از وجود لایه‌های زیرین و نامحسوس در پیکر نظریه‌های علمی است و این به منزله مفروضات بنیادین آن‌ها محسوب می‌شود.

ترکیب یافته‌های نظری و عملی نظریه‌هایی که دارای مفروضات بنیادی متفاوتی هستند، به بساختن پیکره‌های ناموزون و سرانجام ناپایدار منجر می‌شود که این نوع ترکیب که می‌توان آن را ترکیب التقاطی نامید، باید با دقت بیشتری شناسایی شود تا در حد امکان از ابتلا به آن خودداری نمود. (باقری و همکاران، ۱۳۸۹)

فضای مجازی و هویت‌های فریبنده

ایجاد ارتباط پُر معنی در این دنیای مجازی، تحت کنترل مصرف‌کننده این دنیا نیست؛ بلکه حجم انبوه مبادله اطلاعات از قبل تعیین شده و با اهداف خاصی استفاده‌کننده را نشانه می‌گیرد.

ظرفیت‌های متفاوت فضای مجازی با دنیای واقعی، تو در تو شدن فرهنگ‌ها و تکرار متراکم فرهنگی، افزایش آزادی در ابراز ایده‌ها و ارزش‌ها و همه‌جهانی شدن، فضای زندگی را به عنوان سه پیامد کلان در پی دارد. (عاملی، ۱۳۹۰)

دانیل بل^۱ - جامعه‌شناس آمریکایی - (۲۰۰۱) فرهنگ مجازی را مصنوع فضای مجازی می‌داند؛ به این صورت، کلماتی که روی صفحه کامپیوتر ظاهر می‌شوند تشکیل جماعت می‌دهند. این گروه‌های مجازی، فرهنگی مخصوص خود دارند و هویت‌های جدیدی برای خود بازتعریف می‌نمایند؛ این هویت‌ها نیز انعطاف‌پذیر و فریبنده می‌شوند،

1. Daniel Bell

لذا مردم در مقابل فناوری‌های جدید عکس‌العمل‌هایی از خود بروز می‌دهند که گاهی متخصصان ارتباطات را شگفت‌زده می‌کند. (ر. ک: شاه‌قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

در بافت اینترنت، انسان‌ها- صرفاً- با ابزار دیجیتالی تعامل ندارند؛ بلکه این ابزارها انسان‌ها را وارد طیفی از امکانات ارتباطی و فرهنگی می‌کند که در توانایی آن‌ها جهت تعامل با فناوری‌های مختلف، فرهنگ فضاهای مجازی و افرادی که با آن‌ها مواجه می‌شوند، مؤثر است.

کنش‌های فرهنگی گروهی و فردی آن‌ها نیز ممکن است با فرهنگ‌های مجازی فضای مجازی همخوان باشد و یا نباشد؛ لذا برخی محققان تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌گویند جوانب اجتماعی فرهنگی تعامل کامپیوتر، محور انسان‌ها در انتقال معنا و ایجاد ساختاری کارآمد و مؤثر، مهم‌تر از ملاحظات فنی ارتباط است.

تربیت دینی

خداوند آدمی را با سرشتی پاک خلق کرده و از روح الهی خویش در او دمیده است؛^۱ اما آدمی با زیستن در دنیا و پیروی از وسوسه‌های نفسانی به تدریج از این فطرت دور می‌شود و محیط و تربیت ناسالم نیز به این دوری دامن می‌زند؛ البته این حالت می‌تواند با عملکردی متفاوت و مثبت و نیز محیط و تربیتی سالم به سمت رشد و تعالی باشد؛ لذا می‌توان گفت که محیط بر اهمیت نحوه تربیت دینی افزوده و فرصتی بر آشنایی با چالش‌ها و نیازمندی‌های تربیت دینی ایجاد نموده است.

تربیت دینی فرایندی است که در راستای ارضای نیاز فطری به دین، بخش مهمی از زندگی افراد را در بر می‌گیرد؛ لذا اگر الگوی مطلوبی برای تربیت دینی در دسترس متصدیان این امر نباشد، به خطا رفتن آن‌ها در فهم اهداف، روش‌ها و محتوای تربیت دینی لطمه بسیار سنگینی به رشد دینی افراد وارد می‌سازد. (عطاران، ۱۳۶۶: ۱۲)

به طور کلی، داشتن احساس دینداری موهبتی نجات دهنده در زندگی هر انسانی است؛ چرا که آدمی نیازمند داشتن تکیه‌گاه و در نتیجه آن، کسب آرامش در زندگی است؛ آرامشی که او را در مقابل هرسختی مقاوم کند و روحش را از ابتلای به سستی محفوظ دارد؛ هرچند داشتن این حس نیاز به وجودی برتر و تکیه کردن به بالاترین مظهر دینداری است، اما امری فطری و درونی است و بدون دریافت‌های بیرونی نیز قابلیت جوشش از درون و برون را دارد؛ در عین حال، نمی‌توان تأثیر محیط و بارش اطلاعات متضاد با فطرت را در ممانعت از فوران این احساس درونی و به بیراهه رفتن آن نادیده گرفت.

احساس فطری دینداری باید در درون انسان بیدار بماند و روشنگری کند نه این‌که تنها در شرایطی مشخص مثل زمان‌های خاص ظهور یابد.

نیاز به دین یک نیاز فطری و احساس دینداری یک احساس درونی است و باید در وجوه مختلف انسان و در همه ابعاد زندگی او جاری و ساری باشد؛ حسی که تنها در شرایطی خاص فرصت ظهور می‌یابد و در ذهن مخفی مانده و گویی حالت ابزاری داشته و بخواهد در لحظات خاص - به منظورهای ویژه - شکوفا شود، نمی‌تواند راهگشای دهکده جهانی باشد.

دنیای پیچیده و متغیر امروز، هر لحظه دستخوش تغییرات گسترده‌ای است؛ فناوری‌های جدید، گسترش فضای ارتباطات، تغییرات لحظه‌ای علم، مسائل بین‌المللی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و... بیش از هر زمان دیگری سرنوشت انسان‌ها را به یکدیگر مرتبط ساخته است.

باید توجه داشت در این عرصه فرامکانی و فرازمانی، نگاه سنتی به دین نمی‌تواند جوابگوی مسائل و مشکلات انسان‌ها باشد. انسان امروز با انبوهی از اطلاعات، تبلیغات و داده‌های خیر و شر، زشت و زیبا و مناسب و نامناسب - از لحاظ اخلاقی - مواجه است که گاه در لابلای آن‌ها ناپدید می‌شود.

گاهی در جوامع اسلامی و دینی اخباری از بی‌اخلاقی‌ها شنیده می‌شود که بر اهمیت این نکته می‌افزاید که نگاه سنتی به دین - به عنوان مجموعه‌ای از احکام و قواعد- را باید به‌روز کرده؛ چرا که جوابگوی نیازها و مشکلات انسان عصر حاضر نیست. اگر تربیت دینی به اخلاق و اخلاق‌مداری و اخلاق نیز پایه‌ای برای تربیت شهروندی محلی، ملی و جهانی نباشد، باید زیر آوار تهاجم محتوای فضاهای مجازی معاند، منتظر خبرهای ناگوارتری بود.

تربیت دینی‌ای در این تحقیق مدنظر است که در مفهوم عام و فرادینی بتواند از پله‌های تربیت اخلاقی و تربیت معنوی پدید آمده باشد؛ آن‌چنان که انسان را به فطرت پاک خود رسانده و در دریای انسان بودن و انسانیت رها سازد.

به طور مثال؛ خداجویی، خداپرستی، عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، خیرخواهی، کمال‌جویی، زیبایی‌خواهی و فضیلت‌طلبی بخشی از گرایش‌های مشترک همه انسان‌هاست که به خلقت مشترک انسان‌ها بازمی‌گردد.

از طرف دیگر، تربیت دینی نیز مانند هر نوع و شیوه تربیت می‌تواند با آسیب‌هایی درگیر باشد که شناسایی و رفع آن‌ها می‌تواند از مسائل پیش‌روی دین‌پژوهان باشد. در این زمینه می‌توان به عدم توجه به اصل دین‌یابی، عدم توجه به تجربه دینی فردی، در نظر نگرفتن اصل فطرت و عدم بکارگیری تخیل و زبان هنر اشاره نمود. (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰)

تجربه دینی

در دو سه دهه اخیر، موضوع تجربه دینی برای متفکران دینی و کسانی که به رشد و مطالعه دین به عنوان رشته‌ای علمی کمک کرده‌اند، موضوعی محوری بوده است.

تجربه دینی - صرفاً- مجموعه‌ای از بیانات اعتقادی یا آداب و مناسک دینی نیست؛ بلکه از حیث اصطلاحی و به معنای عام و گسترده، عبارت است از هر گونه حال، احساس، مشاهده یا دریافت‌های شخصی که انسان را اولاً با وجود غیر مادی خود

آشنا سازد و ثانیاً او را با عالم ماورای ماده ارتباط دهد؛ اما در معنای خاص، تجربه دینی چنین است که انسان دارای حال و تجربه‌ای شود که به نظر می‌رسد خداوند به گونه‌ای خود را بر انسان آشکار ساخته یا متجلی کرده است.

به عبارت دیگر، تجربه دینی به معنای خاص آن عبارت است از ظهور یا تجلی خداوند بر شخص تجربه‌گر. (شیروانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵)

داشتن تجربه دینی به معنای بودن در یک حالت خودآگاه است که این بودن، با توجه به مسئله نجات و رستگاری در یک دین یا مجموعه مفاهیم دینی، امری محوری و اساسی است. (Yandell, 1997: 367)

بدین ترتیب، دین- در این مفهوم جدید- معنایی گسترده می‌یابد؛ محوری و اساسی بوده و از ابتدایی‌ترین جلوه‌های آن تا پیشرفته‌ترین اشکال سنت‌های مذهبی در طول تاریخ بشر را شامل می‌شود. از این منظر، برخورداری از تجربه دینی- تنها- به معتقدان ادیان ابراهیمی اختصاص ندارد؛ بلکه هر نوع باور به امور ماورایی را در بر می‌گیرد.

در این رویکرد هر گونه احساس، مشاهده و دریافت شخصی، ارتباط شهودی که آدمی را به گونه‌ای با جهان ماورای طبیعت و نیروهای غیبی حاکم بر انسان و دیگر موجودات عالم ماده مرتبط سازد، تجربه دینی نامیده می‌شود که این خود، معنای خاصی دارد؛ بدین معنا، رویدادی است که به نظر می‌رسد خداوند، خویش را به گونه‌ای بر انسان آشکار یا متجلی ساخته است و شخص، تجلی خداوند را در یک فعل یا در موجودی که به نحوی با خداوند مرتبط است، احساس می‌کند. (شریفی‌نیا، ۱۳۸۳)

تربیت به طور عام و تربیت دینی به طور خاص در هر نظام تعلیم و تربیت، متأثر از دیدگاه‌های مختلف است. در بحث تربیت دینی توجه به شهود، تجربه و ادراک خداوند از راه تجربه‌های دینی هر چند دشوار به نظر می‌رسد و هدف آرمانی قلمداد می‌شود؛ اما نباید مورد غفلت قرار گیرد.

تجربه و آگاهی دینی امری قلبی است و نمی‌توان آن‌را به کسی تحمیل کرد؛ بلکه می‌توان فضا را طوری طراحی کرد که افراد به سوی تجربه کردن برخی احساسات معنوی و دینی گرایش پیدا کنند. فراهم آوردن شرایطی که در آن متربی به این درك و توان برسد که هر پدیده‌ای را با توجه به خدا ببیند. در پرداختن به مقوله تربیت که تجربه دینی نیز جزیی از آن- تربیت دینی- محسوب می‌شود، جنبه عاطفی به لحاظ تعلیم و تربیت از نظر اهمیت و جایگاه، هم‌عرض حیطه عقلانی و چه بسا بالاتر از آن قرار می‌گیرد.

ناهمخوانی مفروضه‌های تربیت دینی و فضای مجازی

۱. هویت‌های گمنام

یکی از انتقادهایی که بر آسیب‌های فضای مجازی وارد است، این‌که این فرآیند توانایی مقوله‌های زمان و مکان و فضا را که سه عضو اساسی در هویت‌یابی هستند، بسیار کاهش می‌دهد و موجب بحران هویت می‌شود. این فضا موجب می‌شود ارتباط معقول و منطقی میان فضا، مکان و نیز مکان- زمان از بین برود. انتزاعی‌تر بودن فضا نسبت به مکان- خود- در این امر دخیل است؛ چرا که فضا همه جا را شامل می‌شود، اما مکان، معین و ثابت است. در این میان، فضای مجازی در بستر فرایند جهانی شدن که همراه با پیشرفت فناوری اطلاعات است، تناسب فضا و مکان را که متعلق به عصر سنت و ماقبل مدرن است، بر هم زده و هر چه بسیار فضاهایی را وارد مکان‌هایی می‌کند که امکان تصویر واقعی بودن آن‌ها در خیال هم نمی‌گنجد، تنها به این دلیل که مکان‌ها ثابت می‌مانند؛ ولی فضا می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان به کمک ابزار جدید از نقطه‌ای به نقاط دیگر انتقال پیدا کند. از طرفی، زمان نیز از جمله عوامل هویت‌ساز است؛ آن‌طور که استوارت هال می‌گوید، اگر هویت را نوعی نظام بازنمایی بدانیم، زمان و فضا مختصات اصلی این نظام به شمار می‌آیند و همه هویت‌ها در فضا و زمان نمادین قرار می‌گیرند. (گل محمدی، ۱۳۸۱)

بر این اساس و همانطور که به نقش محوری مکان و فضای مکانمند در هویت‌سازی سنتی اشاره شد، زمان نیز شرط اساسی هویت‌سازی در این مدل است؛ هم‌چنان‌که - پیشتر - از زمان مجازی و خصوصیات آن سخن گفته شد.

اگر به تعریف هویت دقت شود، می‌توان ارتباط صحیح و منطقی مقولات زمان، مکان و فضا را در امر هویت‌یابی مشاهده کرد. هویت عبارت است از متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع خاص تعلق داشتن.

با توجه به این تعریف، مقوله زمان تداعی‌کننده عنصر ثابت و پایدار ماندن در امر هویت و مقوله مکان یا مکانمند بودن زندگی اجتماعی و احساس تعلق به رابطه مکان و فضا ارتباط پیدا می‌کند؛ از این رو - در جوامع سنتی - فضا از مکان جدا نبوده و زمان و فضا در بستر مکان با یکدیگر پیوند می‌خورند.

به نظر می‌رسد این رابطه منطقی و نزدیک مقوله‌های فضا در زمان با مکان، موجب ایجاد واحدهای اجتماعی کوچکتر می‌شود که در آن، امر هویت‌یابی آسان‌تر است. اینک باید پاسخ داد که:

- با توجه به کارکردها و ویژگی‌های فضای مجازی - یعنی زمان و مکان

مجازی، هویت‌های مجازی، عدم وجود احساس و عاطفه - از آن‌جایی که جهان دوم ارتباط میان مکان، زمان و فضا را بر هم می‌زند و تناسب منطقی بین آنها دیده نمی‌شود و از طرفی نیز اثبات شده که عناصر تمایز و تعلق در ارتباط میان مکان و فضا و عنصر ثبات و تداوم در ارتباط میان مکان و زمان معنی پیدا می‌کند، فضای مجازی چگونه این امر را مختل می‌سازد؟

ضرورت بحث در این است که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم نه تنها در

ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان بودن است.

اگر تکلیف مقوله هویت، در میان یک گروه و یا یک ملت معلوم باشد و در خصوص حدود آن، اجماع نظری کلی حاصل شود، اولاً همه افراد، احساس اعتماد به نفس می‌کنند و ثانیاً جامعه - به طور کلی - جهت و هدف خود را می‌بینند. (رجایی، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰)

یکی از جنبه‌های مهمی که از فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی، جامعه اطلاعاتی تأثیر می‌پذیرد، هویت است؛ هویت به عنوان یکی از منابع شناخت از مسائل مهم جوامع بشری و از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی جمعی است. (قاسمی و قادری، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

منابع شکل‌دهنده هویت در جوامع گذشته از قبل مشخص بود و هویت افراد بیشتر جنبه انتسابی داشت که این امر باعث می‌شد افراد جامعه از لحاظ امر هویت‌یابی چندان دستخوش تغییر و دگرگونی نشوند.

در گذشته، مکان نقش کلیدی در خلق هویت اجتماعی افراد داشت؛ چرا که افراد در محیط‌های کوچک و بسته زندگی می‌کردند و هویت اجتماعی آن‌ها با ارتباط رو در رو با اطرافیان در یک محیط ثابت شکل می‌گرفت؛ لذا - افراد - کمتر با دنیای خارج ارتباط داشتند و سنت‌های بومی - محلی بخش اعظم هویت آن‌ها را شکل می‌داد؛ اما به دنبال مدرنیته و ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش مکان در شکل‌دهی به هویت کمرنگ شد؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع هویت‌یابی متکثری روبه‌رو هستند و هویت‌یابی، شکلی غیر محلی و جهانی پیدا کرده است. (خانی جزنی، ۱۳۸۸: ۳۵)

جمله «خودت را بشناس» مصداق این بیان است که انسان برای ورود به تربیت - به ویژه تربیت دینی - لازم است ابتدا معنای صحیحی از خود و از دیگران داشته باشد. از طرفی پنهان ماندن هویت‌ها در شبکه، موجب کسب هویت‌های جدید و ایفای نقش‌های اجتماعی مجازی در شبکه به وسیله افراد می‌شود. با وجود امکانات چندرسانه‌ای موجود در فضای مجازی، هنوز قسمت عمده‌ای از ارتباطات را شیوه‌های انتقال متنی شکل داده است. ارتباطات متنی می‌تواند شکل جدیدی از هویت مجازی را شکل دهد. افراد در فضای مجازی به دلیل نبود راهنماهای چهره‌ای می‌توانند بازنمایی‌های مختلفی از خود ارائه دهند. (بوستانی، ۱۳۸۹)

تربیت دینی به معنایی عامی که توضیح داده شد، نیازمند هویت اصیل و عامل است. در دنیای مجازی افراد این فرصت را دارند که هویت خود را پنهان کرده و خود را آن‌گونه که نیستند، جلوه دهند. گمنامی در این عرصه موجب می‌شود گیرنده پیام، آن را به بخش‌های تاریک شخصیت فرستنده تعمیم دهد. تمام خصوصیات که فرد در دنیای واقعی دارد، در فضای سایبر قابلیت پنهان شدن دارند.

چگونه می‌توان انتظار داشت با هویت دروغین به تربیتی دست یافت که مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای ارزشمند باشد؛ هنجارها و ارزش‌های اخلاقی که دنیای گسترده تربیت را به جایگاهی برساند که هر فرد، صرف‌نظر از قواعد و قوانین محدود کننده، معیارهای درونی شده‌ای از اخلاق و حتی دین داشته باشد.

گیدنز^۱ (۱۳۸۴) در رابطه با جدایی هویت‌ها از زمان و مکان، از اصطلاح «ازجا‌کنندگی» استفاده کرده و عامل این اثر را جدایی زمان و مکان می‌داند.

۲. کاهش عاطفه و احساسات

ارتباطات در دنیای مجازی - به دلیل غالباً متنی - جایی برای احساس نمی‌گذارد؛ به همین دلیل افراد به کیفیت روابط اهمیتی نمی‌دهند و این مسئله به کاهش احساس‌ها منجر می‌شود. (نصری و اعظمی، ۱۳۹۶: ۱۰۳)

از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای مجازی گسترش اهمیت فرد و حیطه خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است.

افراد در فضای مجازی در عین حال که می‌توانند در گروه‌های مختلف و گاهی متضاد با هویت حقیقی خود حضور داشته باشند، هم‌چنین می‌توانند خود را جدا از دیگران و تنها حس کنند. نبود مراتب قدرت در فضای مجازی باعث می‌شود، فردیت افراد در جمع حل نشود.

در جهان واقعی قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تأثیر عواملی چون جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و .. محدود بوده است؛ اما در جهان مجازی مرزهای محدود کننده از میان برداشته می‌شود و شخص در مقیاس جهانی با گزینه‌های فراوانی برای انتخاب روبه‌رو است؛ لذا در میان اقوام سنتی و مذهبی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در ایجاد انعطاف‌پذیری و شکستن مرزهای محدود کننده اعتقادی- فرهنگی مشاهده می‌شود که در فراسوی این تحول فرهنگی، پدیده‌ای به نام رفتارهای نوپدید اجتماعی وجود دارد که در بازتولید جامعه‌پذیری افراد نقش بسزایی دارد. (نورمحمدی، ۱۳۸۸)

همواره در عصر حاضر با ابداع یک فناوری جدید در کنار چالش‌های رخ داده، فرصت‌هایی ایجاد شده است. کره مجازی نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان در کنار رفاه مادی و معنوی که برای مردم دنیای واقعی ایجاد کرده، با نگاه و رویکردی نقادانه به آن نگریست.

به طور کلی، هر فضایی می‌تواند جهت آموزش و یاددهی مفاهیم استفاده شود، به ویژه اینترنت و فضای مجازی که با توجه به سرعت انتقال بالا و دسترسی حداکثری می‌تواند جهت انتقال دادها، مهارت‌ها و فنون استفاده شود؛ اما باید توجه داشت که:

- از ابزار چه استفاده‌ای می‌شود و آیا در این مسیر، به هدف اصلی خواهد رسید؟

به طور مثال؛ با هر ابزاری می‌توان اطلاعاتی را در یک مسافت طولانی - از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین و به‌روزترین - انتقال داد.

بر این اساس این‌که حصارهای حول فضای مجازی کشید، به دور از عقل است؛ چون از دنیای سایبری می‌توان در حوزه‌های آموزشی، خدمات عمومی و سازمانی، فرصت‌های اقتصادی کسب و کار و اجتماعی استفاده کرد؛ اما گاهی هم‌آمیزی برخی فضاها هر چند با اهداف و آرمان‌های تربیتی، دینی و اخلاقی باشد، در عین حال ممکن است به نتایج مناسبی نرسیده و حتی به بیراهه منتهی شود.

دنیای تربیت دینی، در قالب فضای مجازی نمی‌گنجد؛ البته می‌توان در دنیای اینترنت و فضای مجازی- انجمن‌ها و تالارهای گفتگو، فیسبوک^۱، توئیتر^۲، اینستاگرام^۳، تلگرام^۴، واتساپ^۵ و اسکایپ^۶- داده‌ها و محتواهای سودمند از لحاظ دینی، معنوی و اخلاقی قرار داد؛ اما فضای مجازی مؤلفه‌ها و ساختارهایی دارد که نمی‌تواند به واقعیت تربیت دینی دست یابد؛ آموزش‌هایی بدون احساس و عاطفه و حتی میان هویت‌های فریبنده، راهی به هسته و درونی‌ترین هدف تربیت دینی نداشته و می‌تواند به قشری‌گرایی و در بعضی موارد- در بدترین حالت ممکن- به افراط‌گرایی دست یابد.

نتیجه‌گیری

امروزه کمتر کسی در این گزاره شک می‌کند که جهان وارد عصر تازه‌ای شده که نمود آن اهمیت یافتن اطلاعات است.

بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری^۷ در دهه‌های اخیر، انسان را وارد عصر و جامعه تازه‌ای کرده است که دانیل بل آن را جامعه فراصنعتی، کاستلز^۸ آن را جامعه شبکه‌ای و تادائو اومه سائو^۹ آن را جامعه اطلاعاتی نامیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Facebook
2. Twitter
3. Instagram
4. Telegram
5. WhatsApp
6. Skype
7. Capitalism
8. Manuel Castells
9. Tadao Ome Sao

به سبب گسترش دامنه تأثیر رسانه‌های جمعی - به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی - جامعه اطلاعاتی امروزه بُعدی جهانی پیدا کرده و منحصر به کشور یا کشورهای خاصی نمی‌شود. فرامتغیرهایی هم‌چون سریع شدن فضا، فراگیری، قابلیت دسترسی دائم، فرامکانی، فرازمانی، جهانی بودن، سیال بودن، تشدید شدن واقعیت و چندرسانه‌ای بودن، زندگی در جهان دوم و نیز زندگی دوفضایی امروز را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

رشد فزاینده فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با آن‌که بر اساس برخی ویژگی‌های بی‌مانند خود نویدبخش حیات بهتر با ویژگی‌هایی هم‌چون توزیع عادلانه‌تر منابع، کم‌رنگ کردن مرزهای طبقاتی، جغرافیایی، برخورداری مادی و پیشینه خانوادگی بوده‌اند؛ اما در پی خود انواع جدیدی از ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها را مهیا ساخته‌اند که آن روی دنیای مجازی را نشان می‌دهد؛ جهانی که از آن به «نامطلوبیت فناورانه» تعبیر شده است.

این پیامدهای شاید پیش‌بینی نشده و ناخواسته، متولیان اجرایی، دانشوران و پژوهشگران را به حیطه آسیب‌شناسی و ناهنجاری‌شناسی وارد نموده است که در تحقیقات خود به مباحثی چون کنترل بیشتر، سازماندهی، سامانه‌های ملی و استفاده از فرصت‌ها اشاره کرده‌اند.

توجه به این نکته ضروری است با نگاهی تک‌جهانی و بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های فضای مجازی، می‌تواند نتایجی - صرفاً - نظری به بار آورد که مطلوب عمل واقع نخواهند شد.

تربیت به طور عام و تربیت دینی به طور خاص در هر نظام تعلیم و تربیت متأثر از دیدگاه‌های مختلف است؛ به گونه‌ای که پایبند کردن آن، گونه‌ای سطحی‌نگری است؛ نگاهی که به ژرفای آن دست نیافته و نمی‌تواند راهگشا باشد.

تربیت دینی نیازمند هویت‌هایی است که به خودآگاهی و بازگشت به خویش رسیده باشند؛ این‌گونه هویت، هویتی عامل و اصیل است.

مفروضه‌های بنیادین فضای مجازی، نسبییتی از نوع التقاطی با مؤلفه‌های تربیت دینی دارند. زمان و مکان مجازی، هویت‌های گمنام و کاهش احساس و عاطفه، فضای آکنده از شلوغی و دلمشغولی‌ها و به موجب این عوامل؛ عدم وجود فضایی برای تأمل و تفکر، زمینه‌ای را ایجاد کرده که افراد را از خود واقعی دور می‌سازد.

یکی از خصیصه‌های تربیت دینی که علاوه بر فطرت‌گرایی به منظور خودآگاهی توجه شده، بحث تجربه دینی فردی است؛ این‌گونه نگاه به تربیت دینی انسان را به نوعی نگاهی کلی، محوری و اساسی سوق می‌دهد.

در دنیای امروز که هر لحظه گستره داده‌ها و اطلاعات مفید و مضر در حال افزایش است، بر اهمیت انسان شدن و انسان بودن بیش از پیش تأکید می‌شود؛ البته مسیر حرکت از آدمی زاده بودن به انسان شدن، جز با تربیت واقعی - بالاخص تربیت دینی و اخلاقی - امکان‌پذیر نخواهد شد؛ چنان‌که جزء جدایی‌پذیر دنیای امروز - به ویژه تعلیم و تربیت کشور - به آموزش‌ها می‌پردازد.

آموزش، بخش جدایی‌پذیر هر نظام و فرایندی است. از طرفی، پارادایم دوفضایی مجازی و واقعی زندگی انسان را در تمام عرصه‌ها تحت تأثیر قرار داده است. بر این اساس، آموزش‌های آموزه‌های دینی به تنهایی و با کمترین میزان حس، نمی‌تواند مفروضه‌های دینی، اخلاقی و معنوی را در وجود افراد نهادینه سازد؛ لذا آموزش حد و حدودی دارد که باید اندازه‌های آن را شناسایی کرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. باقری، خسرو. سجاده، نرگس و طیبیه توسلی (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. بوستانی، هانیه (۱۳۸۹). بررسی اثرات چت و پیام‌های کوتاه. راسخون. شماره ۲۸.
۴. جوادی، علی محمد (۱۳۸۳). بررسی میزان و نوع استفاده از اینترنت و تأثیر آن بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های مدارس دولتی ناحیه ۳ مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. خانی جزینی، جمال (۱۳۸۸). هویت مجازی. تهران: انتشارات مهرتاب.
۶. رادفر، حمید رضا و سولماز نوری (۱۳۹۶). نقد کتاب «چالش‌های اخلاقی در عصر اطلاعات: جستارهایی در اخلاق اطلاعات». مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی: ۳۴۷-۳۳۷.
۷. ربیعی، علی و احسان شاه‌قاسمی (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی فردی و اجتماعی روابط مجازی در ایران: یک رویکرد کیفی. رفاه اجتماعی. سال نهم. شماره ۳۴: ۳۱-۱۱.
۸. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵). مشکله هویت ایرانیان امروز. تهران: نشر نی.
۹. ذکایی، محمدسعید و فاخره خطیبی (۱۳۸۵). بررسی رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن: پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. علوم اجتماعی. دوره ۱۳. شماره ۳۳: ۱۵۳-۱۱۱.
۱۰. شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۸۵). مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات. شماره ۲: ۱۲۵-۱۰۴.
۱۱. شریفی‌نیا، محمد حسن (۱۳۸۳). ماجرای تجربه دینی. حوزه و دانشگاه. شماره ۳۸: ۷-۴.
۱۲. شمشیری بابک و مرضیه نودزی (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش‌دبستانی. تربیت اسلامی. شماره ۶ (۲): ۷۳-۵۱.

۱۳. شیروانی، علی (۱۳۸۱). جستارهایی در کلام جدید. مقاله تجربه دینی. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۸۵). ارزیابی فضای مجازی ایرانی. مجموعه مقالات دانشجویی. تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.
۱۵. عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۸۶). دین مجازی؛ دوفضایی شدن محیط دینی و ارتباطات درون دینی و بین دینی. دین و رسانه. تهران: طرح آینده.
۱۶. عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۹۰). رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرایم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۸۸). شبکه‌های علمی مجازی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۸. عاملی، سید سعیدرضا و مجتبی حاجی جعفری (۱۳۹۱). رویکرد دوفضایی به آسیب‌های مجازی و دین: نگرش‌ها و تجربه‌ها. دین و ارتباطات. سال نوزدهم. شماره ۱ (پیاپی ۴۱): ۹۵-۱۲۷.
۱۹. عطاران، محمد (۱۳۶۶). آرای مریمان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. قاسمی، وحید و مهدی قادری (۱۳۸۸). تحلیلی بر وضعیت هویت اجتماعی جوانان در شهر کرمانشاه. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز. سال دوازدهم. شماره ۲۴: ۲۴-۴۳.
۲۱. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن. مطالعات ملی. سال سوم. شماره ۱۱ (۱): ۸۵-۱۱۶.
۲۲. نصری، لادن و رضا اعظمی (۱۳۹۶). جرایم مرتبط با امنیت اخلاقی در فضای مجازی. رهیافت پیشگیری. پیش شماره ۲: ۹۷-۱۱۹.
۲۳. نورمحمدی، مرتضی (۱۳۸۸). تاثیر فضای مجازی بر عرصه هویت. مجلات عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی. شماره ۲۶۱.

24. Ameli, Sayed Saeid Reza (2009). **Virtual Religion**. Asian Journal of Social Science. Vol37 (2).
25. Elull, Jacques (1990). **The Technology Bluff, Trans.** Geoffrey Bromiley .Grand Rapids. Michigan: Wm. Beerdmans Publishing Company.
26. Stefanescu, C. Chirita, V. Chirita, R and G Chele (2007). **Network Identity, The Intenet Addiction and Romanian Teenagers**. Proceedings of the 4th WSEAS/IASME International Conference on Engineering Education. Agios Nikolaos. Greece: Crete Island.
27. Yandell. K (1997). **Religious Experience**. In P. L. Quinn and C. Talliafero (Eds). Acompanion to Philosophy of Religion. DOI.10111./b.9780631213284.1999.00050.xblack well.
28. Zizek, Slavoj (1996). **The Indivisible Remainder: An Essay on Schelling and Related Matters**. London.